تفسیر احمد

سُورَةُ الشَّرح

Ketabton.com

94

شماره

ترجمه و تفسیر سورة «الشرح»

تتبع و نگارش: امین الدین سعیدي - سعید افغانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة الشرح
جزء 30

این سوره در «مکه» نازل شده و دارای 8 آیه است.

وجه تسمیه:

در سبب نامگذاری این سورۀ مبارکه به «شرح» یا «إنشراح» یا «ألم نشرح» مفسران می نویسند که: سرآغاز این سوره از شرح سینه، نورانی گرداندن و هدایت پیامبر گرامی محمد صلی الله علیه وسلم با نور إیمان وحکمت، شروع و آغاز می‌شود.
بلی !هر کس شامل اراده‌ی خیر پروردگار گردد، هدایتش می‌دهد و دل و سینه اش را مرکز دین اسلام و خیر و سعادت قرار می‌دهد.(أنعام /آیۀ 125).
سورۀ « **الشرح** » بعد از سورۀ «ضحی» نازل گردید و گویی تکمله‌ای برای آن می‌باشد زیرا سایه سار روح بخشی از لطف و عنایت پروردگار را بر حبیبش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم می‌گستراند.

تعداد آیات، کلمات وحروف سورۀ الشرح:

(سورة الشرح) مکی، و داری (1) رکوع، (8) هشت آیت، (27) بیست و هفت کلمه، (102) یکصدو و دو حرف، و (37) سی وهفت نقطه است. (لازم به ذکر است که أقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت ومختلف است. برای تفصیل این مبحث میتوانید به سورۀ الطور، تفسیر احمد مراجعه فرماید.).

أسباب نزول سورۀ مبارکه:

وقتی که مشرکان به دلیل فقر و تهیدستی مسلمانان را مورد سرزنش قرار دادند، این سوره نازل شد.
ابن جریر از حسن (رض) روایت کرده است: هنگامي که پروردگار متعال آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً» را نازل کرد، رسول الله گفت: شاد باشد که آرامش و راحت نصیب شما شد و هر گز یک سختی و بیچارگی نمی تواند دو راحتی وآسایش را مغلوب کند.

آشنايي با سورۀ انشراح:

مفسرین دراین مورد همه متفق ألقول أند که: این سوره بعد از سورۀ «والضحی» نازل شده و محتوای آن نیز همین مطلب را تأیید مي کند. در این سوره بخش و قسمتی از مواهب الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شمرده شده است و در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سورۀ والضحی آمده وسه موهبت بزرگ إلهی در سورۀ إنشراح آمده است. مواهِب سه گانۀ این سوره همه جنبۀ معنوی دارند و بر سه محور دور میخورند. یکی بیان همین نعمتهای سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر صلي الله علیه وسلم، از نظر برطرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریص و ترغیب به عبادت و نیایش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجموع این سوره بیانگر عنایت خاص إلهی به پیامبر گرامی اسلام صلي الله علیه وسلم وتسلی او در برابر مشکلات و وعدة نصرت و تأیید او در برابر مشکلات و فراز و نشیبهاي راه رسالت است.
اگر کسی حالات پیامبر صلي الله علیه وسلم را دقیقاً مطالعه کند و میزان شرح صدر او را در حوادث سخت و پیچیده دوران زندگی اش بنگرد یقین می کند که این از طریق عادی ممکن نیست، بلکه یك تأیید إلهی و ربانی است.
بخاطر همین شرح صدر بود که پیامبر صلي الله علیه وسلم به عالیترین وجهی مشکلات رسالت را پشت سر گذاشت و وظایف خود را در این راه به خوبی أنجام داد.
در سورۀ إنشراح لَحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار وتسلّی و دلداری به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم است.
در این سوره از پیامبر صلي الله علیه وسلم میخواهد که با توجه به این آثار درخشان، هیچ گاه از تلاش در راه الله باز نایستد و هنگامی که کاری را به إتمام رساند، کار بزرگـتر و سخت تری را شروع کند تا از آثار آن نیز بهره مند شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ترجمه وتفسیر سُورَة «الشرح »
جزء 30

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای بخشاینده ومهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنْکَ وِزْرَکَ﴿٢﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَکَ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يسْرًا﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يسْرًا﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ﴿٧﴾ وَإِلَى رَبِّکَ فَارْغَبْ﴿٨﴾

ترجمهٔ مختصر:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (1) «آیا فراخ نساختیم برایت سینه ات را؟».
وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ (2) «و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟».
الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ (3) «همان باری که پشت تو را سنگین کرده است؟».
وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (4) «وبلندی بخشیدیم یاد و ذکرت را ؟».
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (5) «پس بی گمان در کنار دشواری آسانی است.».
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (6) «به یقین در کنار دشواری آسانی است».
فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (7) «پس هنگامی که (در کار و بارت) فراغت یافتی، بکوش».
وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ (8) «و به‌سوی پروردگارت روی آر».

تفسیر سوره:

خوانندگان گرامی!
در آیات متبرکه این سوره در بارهٔ نعمتها و فرمانهای الله متعال به پیامبرصلی الله علیه وسلم بحث بعمل می آید:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (1):

(إستفهام برای تقریر است.
یعنی ای محمد! آیا ما سینه تو را با نور هدایت وایمان وقرآن نگشودیم (و دلت را از بند غم حیرت رها نساختیم، و تاب تحمّل نا بسامانی های محیط جاهلیّت و سختی های مسؤولیّت بزرگ نبوّت را به تو عطاء نکردیم؟).

تشریح لغات واصطلاحات:

«نَشْرَحْ»: شرح: بازکردن، شکافتن، گشاده کردن و از ریشهٔ شریحه است.
«نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»: آیا سینه‌ات را به وسیله‌ی نبوت و تطهیر آن، لبریز از ایمان و حکمت برای تو نگشادیم؟
«شرح صدر» به معنای گشایش سینه و بالا رفتن ظرفیّت انسان است تا بتواند ناملایمات را تحمّل کند و در مشکلات و سختی‌ها صبر و پایداری از خود نشان دهد.
مفسران نوشته أند:هنگامی که خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را به رسالت برگزید، اولین خواسته او سعه صدر بود که گفت: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه، 25).(پروردگارا! سعه صدر به من عطا کن). ولی پیامبر بزرگوار اسلام محمد صلی الله علیه وسلم بدون درخواست مورد لطف إلهی قرار گرفت و سعه صدر را از خداوند دریافت کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

مفسر ابن کثیر در تفسیر این آیه مبارکه می نویسند: یعنی قلبت را روشن و فراخ و وسیع گرداندیم. و همان‌طور که الله سینه‌ی او را روشن کرد، شریعتش را نیز گسترش داد و آن را میسّر وآسان قرار داد، نه فشار طاقت‌فرسا و نه ضعف و تنگ‌نظری در آن وجود ندارد. (مختصر ۶۵۲/۳).

سایرمفسرین در توضیح «أَلَمْ نَشْرَحْ...» میفرمایند: شرح صدر. کنایه از: سعه صدر، رهائی از غم و أندوه حیرت و ضلال پیش از نبوّت، تاب تحمّل مشکلات مسؤولیّت نبوّت و رهبري، صبر و حوصله در برابر ناملایمات محیط و درد سر های کُفّار و مشرکان و دیگران است (ملاحظه فرماید سورۀ أنعام/ آیۀ: 125، سورۀ زمر/آیۀ: 22، سورۀ طه/ آیۀ: 25، سورۀ نحل/ آیۀ: 106).

مفسرأبوحیان درتفسیر آیۀ مبارکه، فرموده است: «شرح صدر» یعنی روشن کردن آن به حکمت، و فراخ نمودن آن برای دریافت وحی نازل شده. و نظر جمهور نیز همین است. عده‌ای نیز می‌گویند: «شرح صدر» عبارت است از این که در دوران طفولیت جبرئیل سینه‌ی او را شکافت. این نظر از ابن عباس (رض) روایت شده است. (البحر ۴۸۷/۸.).

امام فخرالدین رازی می‌فرماید : «شق‌الصدر از ارهاصات نبوت، یعنی از مقدمات و بشارت‌های آن است».

خوانندگان گرامی !

از آنجا که غم و غصه‌ها را نمی‌توان کم کرد، پس باید ظرفیّت‌ها را باید بالا برد تا بتوان مشکلات را تحمّل کرد و کم نیاورد. شرح صدر که در آیه مبارکه بدان اشاره بعمل آمد نشانه لطف بخصوص وخاص ألخاص الهی است: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ» (أنعام/125.) (یعنی هر کس را خداوند اراده کند هدایت یابد، روح او را برای پذیرش اسلام باز می‌کند.)

از نظر روانی، هنگام برخورد با مشکلات وپرابلم های دنیوی ، نباید تمام ذهن متوجه آن شود، بلکه باید به سهولت‌های پس از آن که مورد وعده و سنت پروردگار با عظمت است نیز توجه داشته باشید.

منظور از «شرح صدر» آیۀ مبارکه: **«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»** گسترش روح و فکر پیامبر صلی الله علیه وسلم به وسیلۀ نور إلٰهی و سکینه و آرامش خداداد میباشد، این توسعه می تواند مفهوم وسیعی داشته باشدکه هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط وگسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجت ها و کارشکني های دشمنان و مخالفان.

پیامبر صلی الله علیه وسلم مثال، نمونه و اُلگوی کامل برای زندگي فردی و إجتماعی ما إنسانها است. آنحضرت چراغ هدایتی است که جهان بشریت را روشنی بخشیده و با سیره و سخنش سنت‌های زیبا و عالی را پایه‌گذاری کرده و برنامۀ جامع سَیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را إرائه فرموده است. از این روست که سیره و سخنان گُهَربار آن شخصیت بی بدیل، پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم ، إهتمام و توجه ی ویژه می طلبد.

یکی از سیره های پُرأهمیت آن حضرت شرح صدر است؛ سیره‌ای که خداوند در قرآن از آن با عظمت یاد می کند و آن را یکی از مِنَت های بزرگ خویش بر میشمارد.

شرح صدر و گشادگی سینۀ پیامبر اسلام است که بار سنگین رسالت بر حضرتش قابل تحمل بود، بار سنگیني که پشت انسان را خَم می کند.

همین شرح صدر است که او را در برابر همه ناملایمات سربلند و پیروز میگرداند و خداوند آوازه اش را بلند میسازد. بهترین وسیله برای پیمودن راه حق و کمال، فراخی سینه

(c) ketabton.com: The Digital Library

و شرح صدر است. هر چه سینه فراختر باشد پرواز بلندتر است. سعه و گستردگی قلب و روح حبیب خدا تا آنجاست که بر ماسوای خداوند احاطه دارد و همه عالم ریزه خوار سفره نور و إحسان آن رحمة للعالمین أند. هر چند قلم و بیان عاجز از درک روح بلند الهی آن بزرگوار است.

در تفسیر (آیهٔ 125 / سورهٔ أنعام) مفسر أنوارالقرآن مینویسد:«فَمَن يرِدِ اللهُ أَن يهْدِيهُ يشْرَحْ صَدْرَهُ لِلإِسْلاَمِ وَمَن يرِدْ أَن يضِلَّهُ يجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يصَّعَّدُ فِي السَّمَاء كَذَلِكَ يجْعَلُ اللهُ الرِّجْسَ عَلَي الَّذِينَ لاَ يؤْمِنُونَ» «پس هرکه را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه وی را برای إسلام گشاده میکند» یعنی: دلش را باز و گشاده میکند تا إسلام را با سینهٔ باز و مُنشَرَح بپذیرد.

در حدیث شریف به روایت عبدالرزاق، ابن‌جریرطبری و غیر ایشان آمده است: أصحاب از رسول الله صلي الله عليه وسلم راجع به این آیه پرسیدند؛ یا رسول الله! چگونه سینه انسان راه یافته گشاده می شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نور يقذف فيه، فينشرح له وينفسح: نوري است که در او افگنده می شود پس سینه‌اش از آن نور، باز و گشاده می شود». گفتند: آیا برای این گشادگی و إنشِراح، نشانه ای هم هست که با آن شناخته شود؟ فرمودند: «الإنابة إلي دار الخلود، والتجافي عن دار الغرور، والاستعداد للموت قبل لقاء الموت: بلی ! نشانهٔ آن رجوع به‌سوی سرای جاودانگی، دل بَرکندَن از سرای غرور و قرار و آرام نگرفتن در آن، و آمادگی برای مرگ قبل از روبروشدن با آن است».

همچنین در حدیث شریف آمده است که از رسول الله صلي الله عليه وسلم سؤال شد: از مؤمنان چه کسی هشیارتر و زیرکتر است؟ فرمودند: «بیشترین آنان در یاد آوری از مرگ و بیشترین آنان در آمادگی برای بعد از مرگ». «و هر کس را که» خداوند «بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را تنگ می گرداند در نهایت تنگی» به طوری که در آن هیچ جایی برای إیمان و هدایت‌نباشد. إبن‌کثیر مي‌گوید: «یعنی سینه اش را برای پذیرش (لااله الا الله) تنگ می گرداند تا بدآنجا که این کلمه طیبه به آن وارد نمیشود».

زُجاج میگوید: «حَرَج، نهایت تنگی است». «چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا میرود» زیرا کسی که به آسمان بالا رود، به دلیل فشار هوا و کمبود اکسیژن، سخت إحساس سینه تنگی میکند، گویی نزدیک است که خفه شود.

گفتنی است که با إکتشافات جدید علمی، روشن شده که این تشبیه از معجزات قرآن کریم میباشد زیرا حقیقت علمی ایکه این آیه به بیان آن پرداخته، در عصر نزول قرآن کریم شناخته شده نبود. بلی ! این آیه، حال معنوی کسی را که به‌سوی إسلام فرا خوانده میشود درحالیکه برای وی گمراهی مُقَدَر شده است به حالت حسی کسی تشبیه میکند که از بالا رفتن به سوی آسمان سخت احساس سینه تنگی میکند، گویی میخواهد خفقان بگیرد و این معنی که صعود به بالا سبب نفس تنگی میشود در روزگار نزول قرآن کریم شناخته شده نبود.

و علامه عبدالرحمن سعدی رحمه الله در تفسیر خود مینویسد:«خداوند متعال در حالي که علایم و نشانه های خوشبختی و هدایت، و بدبختی و گمراهی را برای بندگانش بیان مي دارد، میفرماید: هرکس سینه اش برای پذیرش إسلام گُشاد شد، یعنی سینه و درونش وسیع و باز شد، و به نور إیمان روشن گردید و با روشنایی یقین زنده گشت و آرامش یافت؛ خوبی را دوست داشت، و انجام دادن خیر و نیکی را زیبا یافت و از آن لذت برد و آن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

دشوار ندانست، همانا این نشانه آن است که خداوند او را هدایت کرده و توفیقِ در پیش گرفتن درست ترین راه را به او ارزانی نموده است. و علامت کسی که خداوند می خواهد او را گمراه سازد این است که سینه اش را تنگ می گرداند. یعنی آن را در نهایت تنگی قرار می دهد، به گونه ای که در آن جای برای إیمان و یقین یافت نمیشود، و در شُبَهات و شهوات فرو رفته، و خیری به او نمي رسد. و قلبش برای أنجام کار خیر باز نمی گردد، و سینه اش آنگونه به تنگی و تپش می أفتد که گویا به آسمان ها بالا می رود، و به زور او را به این کار وادار می کنند، اما راهی برای رفتن به آسمان نمی یابد.
و این بدان سبب است که آنها ایمان ندارند. پس این امر باعث شده است که خداوند پلیدی و عذاب را بر آنها قرار دهد؛ چون آنها دروازه رحمت و نیکوکاری را به روی خود بسته اند. و این ترازوی است که در آن ظلم و ستمي وجود ندارد، و راهي است که تغییر نمي کند. پس همانا هرکس ببخشد، و بدهد، و از خدا بترسد، و پرهیزگاری نماید، وآیین نیک را تصدیق کند، به زودی راه آسانی را در پیش پای او می گذاریم و آن را برایش آسان می گردانیم. و هرکس بخل ورزد، و خود را از خدا بی نیاز بداند، و آیین نیک را تکذیب کند، به زودی راه سختی را به او خواهیم نمود.

«وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» (2):

«و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگرفتیم؟».یعنی بدین‌گونه باری را که بر تو نهاده شده بود کم کردیم، گناهان متقدّم و متأخرت را آمرزیدیم، از تو راضی و خوشنود شدیم و عفو و رحمت خویش را بر تو جاری ساختیم.
مفسرین در تفسیر کلمه **«وَضَعْنَا»** مینویسند: فرو آوردیم. پائین آوردیم.
«وزر» در لغت به معنی سنگینی است، کلمه (وزیر) نیز از همین معنی مشتق شده است، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش میکشد، و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهکار.
بعضی از مفسرین (وزر) را به معنی بار سنگین (وحی) در آغاز نزول، تفسیر کرده اند.
بعضی نیز به ضلالت و گمراهی و لجاج و عناد مشرکان.
و بعضی به أذیت و آزار فوق العاده آنها.
و بعضی به اندوه ناشی از وفات کاکای أبو طالب و همسرش خدیجه و بالاخره بعضی به مسألهٔ عِصمت و پاکی از گناه تفسیر کرده أند.
ولی ظاهراً همان تفسیر اول است: هدف از آن بار کمرشکن غم و رنج حاصل از مشاهده کفر و شرك و تبهکاری ها و خونریزی ها و ستمگری ها و نابسامابی های جامعه پیش از نبوّت، و تلاش و کوشش آن حضرت برای هدایت مردمان و دفع اذیّت و آزار ایشان در آغاز نبوّت است.
قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت ونبوت، و دعوت به سوی توحید و یکتا پرستی، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است، نه تنها پیامبر صلی الله علیه وسلم که همه پیغمبران در آغاز دعوت باچنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امداد های الهی برآنها پیروز میشدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلي الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و سنگینتر بود.

«الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ» (3):

«همان بار سنگيني که پشت تو را در هم شکسته بود؟»«**أَنقَضَ**»: سنگيني کرده بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

گرانبار ساخته بود. مَجازاً شکستن پشت معني مي‌دهد.
پروردگار با عظمت ما به ذکر موهبت دیگری از مواهب عظیم خود به پیامبر صلی الله علیه و سلم پرداخته مي افزاید: آیا ما بار سنگین را از تو برنداشتیم!؟ همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد (الذی انقض ظهرك).
(انقض) از ماده (نقض) به معنی گشودن گره طناب، یا جدا کردن قسمت های به هم فشرده ساختمان است، و (انتقاض) به صدائی گفته میشود که به هنگام جدا شدن قطعات یک تعمیر از یکدیگر بگوش می رسد، و یا صدای مهره های کمر به هنگامی که زیر بار سنگینی قرار می گیرد.
این کلمه در مورد شکستن پیمان ها و قرار داد ها نیز به کار میرود و می گویند فلان کس نقض عهد کرد.
به این ترتیب آیه فوق می گوید: خداوند آن بار سنگین و کمرشکن را از تو برداشت.
این کدام بار بود که خداوند از پشت پیامبرش برداشت ؟ قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است، نه تنها پیامبر صلي الله علیه وسلم، که همه پیامبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با إمداد های الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلي الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و سنگین تر بود.

« وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ » (4):

و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟ مقام و جایگاه تو را بلند گردانیدیم و یاد و ذکر و آوازه‌ی تو را را در مناره‌ها، منبرها و دفترها بلند ساختیم ؛ تو یتیم بودی و کسی تو را نمی‌شناخت. تو بی‌کس بودی و کسی را نداشتی. عموهای تو که قرار بود پشتیبان تو باشند، علیه تو ایستادند و این ما بودیم که در کنار تو قرار داشتیم، پشتیبان تو بودیم و نگذاشتیم پشت تو شکسته شود.
مجاهد فرموده است: هرگاه نامی از الله برده شود نام محمد صلّی الله علیه و سلم در کنارش برده می‌شود. و قتاده گفته است: خدا نام او را در دنیا و آخرت بالا برده است، هر خطیب و شهادت‌دهنده و نمازگزاری ندا می‌دهد: «أشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله».
در حدیث آمده است: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خدایت می‌گوید: آیا می‌دانی چگونه یاد و نام تو را رفیع گردانده‌ام؟ گفتم: خدا می‌داند. گفت: وقتی نامی از من برده شود، نام تو نیز با من می‌آید.». (مختصر ۶۵۲/۳).
در البحر آمده است: در شهادت و آذان و إقامه و تَشَهُد و خُطبَه، و در بسی موارد در قرآن و غیره نام پیامبر با نام خدا قرین است و از پیامبران و ملت‌های آنها خواسته است که به محمد صلّی الله علیه و سلم ایمان بیاورند.(البحر المحیط ۴۸۸/۸).
در این مورد حسان بن ثابت سروده است: «و ضمّ الإله إسم النبی إلی إسمه إذا قال فی الخمس المؤذن أشهد و شقّ له من إسمه لیجله فذو العرش محمود و هذا محمد». «خدا نام پیامبر را در آذان پنجگانه در کنار نام خود قرار داد. و از إسم

(c) ketabton.com: The Digital Library

خود برایش إسمی مشتق کرد تا او را والا بدارد، نام خدای صاحب عرش محمود است و نام این محمد».(مختصر ۶۵۲/۳).

« فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً»(5):

«پس بی‌گمان با دشواری آسانی است». یعنی: به راستی که بعد از هر سختی آسانی است، بعد از هر تنگدستی گشایش است، بعد از غم خوشحالی است و بعد از شب غم، صبح شادی فرا می‌رسد. بناءً سختی و دشواری إستمرار نمی‌یابد و رنج و پریشانی باقی نمی‌ماند.

«عُسر و یسرا»: این دو کلمه ضد هم هستند. عُسر به معنی سختی است و یُسر به معنی آسانی.

مفسران فرموده أند: در مکه پیامبر صلی الله علیه وسلم و یارانش بر أثر أذیت و آزار مشرکین سخت در مَضیقه و تنگنا بودند. لذا به منظور تسلّی خاطر و آرامش قلب و تقویت اُمیدش، خدا وعده‌ی راحتی و آسایش را به او داد، همان‌طور که در آغاز سوره نعمت‌های عطا شده به او را برشمرد. وفرمود : کسی که این نعمت‌های گرانقدر را به تو عطا کرده است، تو را بر آنان پیروز می‌کند، و کارت را استوار می‌گرداند، و این سختی را به زودی به آسایش تبدیل می‌کند.

ازاین‌رو آن را در قالب مبالغه تکرار کرده و گفته است:

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً» (6):

مسلّماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است. یعنی: بی‌گمان در جنب دشواری‌ای که ذکر شد، آسانی دیگری است.

پس افسرده و غمگین مشو. در حدیث آمده است: «سختی بر دو آسانی پیروز نمی‌شود». (اخراج از حاکم و بیهقی.).

مفسرین در تفسیر این آیهٔ متبرکه مینویسند: **«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (6) »** إین مژدهٔ بزرگی است که هرگاه سختی و دشواری در میان آید آسانی همراه آن خواهد بود، حتی اگر سختی ودشواری در سوراخ سوسماری (کربوړي) برود آساني بر آن وارد مي‌شود و آن را بیرون مي‌آورد. همان طور که خداوند متعال میفرماید: **«سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً»** (سوره الطلاق:7). «خداوند بعد از سختی، آسانی خواهد آورد». و همان طور که پیامبر صلّي الله علیه و سلّم فرمود: «فرج به همراه سختی و أندوه است و آسانی با سختی همراه است».

و معرفه آمدن کلمه‌ي «عسر» در هر دو آیه براین دلالت مي‌کند که سختي و دشواري یکي است و نکره بودن کلمه «یسر» نشانگر آن است که آساني تکرار خواهد شد. و معرفه بودن کلمه‌ي «العسر» که الف و لام آن بر استغراق و عموم میباشد دال بر این است که سختي و دشواري هرچند شدت یابد در آخر آسان خواهد شد و آساني با آن همراه خواهد بود. سپس پیامبرش را به صورت مخاطب اصلي و مومنان را به تبع او دستور داد تا خدا را سپاس گذارند و وظیفه خود را در برابر عظمت او انجام دهند و فرمود:

سبب نزول آیهٔ مبارکه:

روایت شده است که چون مشرکان مسلمانان را به فقر و نداری طعنه زدند، این آیه نازل شد. ابن‌جریر طبری از حسن بصری (رض) روایت کرده‌است که گفت: چون این آیه

(c) ketabton.com: The Digital Library

نازل شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مژدۀ تان باد که بر شما آسانی آمد، هرگز یک دشواری بر دو آسانی غالب نمی‌شود».

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»(7):

وقتی از کارهایت فراغت یافتی و در دل تو چیزي که آن را دچار مشکل نماید باقي نماند در دعا و عبادت بکوش. به طاعت رو آور، به ادای نوافل و فضایل بیشتر بپرداز و از اعمال نیکو توشه بگیر.

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» هرگاه (از کار مهمّی) بپرداختی، به دنبال آن (به کار مهمّ دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن).

«فَرَغْتَ»: فراغت یافتی. تمام شدی و بیکار ماندی. **«إنصَبْ»:** رنج ببر. مؤمن باید انسان متحرّك و پویائی باشد و پس از فراغت از وظیفه‌ای، آماده کوشیدن و سختی کشیدن در وظیفه دیگری باشد. چون: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم.

قابل یادآوری است که فحوای آین آیه مبارکه؛ بیانگر ترسیم و نقشۀ زندگی هر مسلمانی است که برای پیامبر صلی الله علیه وسلم وضع شده تا آن شیوه و منهج را در حیات وزندگی روزمره خویش و مسلمانان تطبیق نماید تا به بهشت نایل آیند و از عذاب دوزخ نجات ورهایی یابند؛ یعنی هرگاه از یک کار دینی فارغ شد خود را برای یک کار دنیایی آماده سازد.

یعنی إنسان باید بعد از فارغ شدن از هر کار و مسئولیّتی، آماده پذیرش مسئولیّت دیگر و تلاش و کوشش دیگر باشد.

بطورنمونه هرگاه از نماز فراغت یافت به ذکر و دعا و چون از آن فارغ شد، به اُمور دنیوی مشغول شود . شخص مسلمان زندگی جدی و سختی دارد و هیچگاه وقتی را برای بازی، شوخی، تنبلی، بیکاری و ... نخواهد یافت.

«وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (8)

و یکسره به سوی پروردگارت روی آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به اوخود را مشغول مساز). یعنی تنها به پروردگارت روی آور. إهتمام وتوجه خود را به این دنیای ناپایدار و رفتنی مصروف مدار. ابن کثیر گفته است: یعنی وقتی از امور و کارهای دنیا فراغت یافتی و از آن قطع علاقه کردی، به عبادت برخیز و با شادابی و نشاط و قلبی فارغ به عبادت خدا بشتاب، و قصد و نیت خود را خالصانه برای خدا قرار بده (مختصر ۶۵۳/۳).

هکذا مفسران درتفسیر آیۀ مبارکه :**«وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ»** می نویسند: و برای إجابت دعای خود فقط به پروردگارت روی بیاور و از کسانی مباش که وقتی کار و بارشان تمام مي‌شود به بازی و سرگرمی مشغول میشوند و از پروردگار خود و از ذکر او إعراض میکنند. و اگر چنین کنی آنگاه از زیان کاران خواهی بود. همچنان برخی از مفسران در معنی آیۀ مبارکه نگاشته أند: هرگاه از نماز فارغ شدی و آن را کامل نمودی در دعا بکوش و در خواستن نیازهایت به او روی بیاورد. و کسی که چنین گفته بر مشروعیت دعا و ذکر بعد از نمازهای فرض إستدلال کرده است.

مفهوم توصیه به صبر در إسلام:

پروردگار با عظمت ما میفرماید:**«وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»** (سوره انفال: 46) (و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!)

(c) ketabton.com: The Digital Library

همچنان در جایی دیگر میفرماید: **«إِنَّهُ مَنْ يتَّقِ وَيصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»** (سوره یوسف:90) (هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و إستقامت نماید، (سرأنجام پیروز میشود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمي‌کند!) و باز هم در (آیهٔ 10 سورهٔ زمر) میفرماید: **«إِنَّمَا يوَفَّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيرِ حِسَابٍ»** (صابران أجر و پاداش خود را بی حساب دریافت میدارند!).

«فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (سورهٔ هود:49] (بنابراین، صبر و إستقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!) پس شما را بر صبر نمودن توصیه مي کنیم که ان شاءالله مشکلات بزودی حل خواهند شد چرا که براستی پس از سختی آسانی در راه است: **«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يسْرًا»** سورهٔ إنشراح 6. یعنی: بلی با دشواری آسانی است.

مفهوم «إن مع العُسر يُسرا»:

بسیاری از کسانی می پرسند که با توجه به این آیه چرا بعضی مسلمان ها تا آخر عمرشان سختی میبینند؟ همیشه مصیبت ها دنبال هم می آیند در زندگی شان؟ (بدون اینکه آسانی بیاید!) حتی تا آخرعمرشان درعذابند؟ حتی آنهایی که بیشتر از همه طاعات وعبادات میکنند!؟

در جواب باید گفت: چون خدای متعال بر آنها منت گذاشته و با این بهانه بسیاری از گناهانشان را پاک میکند، زیرا مصائب و سختی ها و بلایا، کفاره گناهان هستند، و خوشا بحال آن کسانی که در بلا و مصیبت صبوری پیشه میکنند چرا که همین سختی ها و نا خوشی ها اگر با صبوری تحمل شوند خود موجب کفاره گناهانشان میشود، و شاید این لطف و رحمت الهی (تحمل و صبوری در برابر مشکلات) نصیب هر کسی نشود.

أبوهریره رضي الله عنه می گوید: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم: «مَنْ يرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيرًا، يصِبْ مِنْهُ».** (بخاری:5645) یعنی: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: «خداوند به هرکس که إراده خیر داشته باشد، او را گرفتار بلا میسازد». و خدای متعال در مورد کسانی که صبور هستند می فرماید: **«إِنَّمَا يوَفَّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيرِ حِسَابٍ»** (سورهٔ الزمر: 10). یعنی: بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.

و باز أبوهریره رضي الله عنه روایت میکند: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلي الله عليه وسلم: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ، مِنْ حَيثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ كَفَأَتْهَا، فَإِذَا اعْتَدَلَتْ، تَكَفَّأُ بِالْبَلَاءِ، وَالْفَاجِرُ كَالأَرْزَةِ، صَمَّاءَ مُعْتَدِلَةً، حَتَّي يقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ».** (بخاري:5644).

یعنی: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: «مثال مؤمن، مانند ساقة گیاهي است که از هر طرف، بادی به سراغ اش می آید و او را کج می کند. و هنگامی که باد آرام می گیرد، راست می شود. (همیشه در بلا و مصیبت بسر میبرد و این مصیبت ها باعث کفارة گناهان اش می گردند). اما فرد فاجر، مانند درخت کاج، سخت و اُستوار است تا اینکه مرگ اش فرا می رسد و خداوند او را نابود می گرداند». (یعنی کمتر دچار گرفتاری مي شود).

و ابوسعید خدری و ابو هریره رضی الله عنهما مي گویند: **«مَا يصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا أَذًي وَلَا غَمٍّ، حَتَّي الشَّوْكَةِ يشَاكُهَا، إِلاَّ كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ».** (بخاري:5642).

یعنی: نبی اکرم صلي الله عليه وسلم فرمود: «مسلمان, دچار هیچگونه خستگي, بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی شود مگر اینکه خداوند به وسیلة آنها، گناهانش را می بخشد. حتی خاری که به پایش مي خورد» (باعث کفاره گناهانش میشود).

(c) ketabton.com: The Digital Library

و در حديث صحيح از پيامبر صلي الله عليه وسلم آمده كه فرمودند: **«الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر»** مسلم (2956). يعنى: دنيا زندان مؤمن و بهشت كافر است.
و پيامبر صلي الله عليه و سلم در مورد صبر و شكر بنده مؤمن فرموده است: **«عجبا لأمر المؤمن إن أمره كله خير، وليس ذاك لأحد إلا للمؤمن؛ إن أصابته سرّاء شكر؛ فكان خيراً له، وإن أصابته ضرّاء صبر؛ فكان خيراً له».** (روايت مسلم).
يعنى: چه عجيب است أمر مؤمن، همه اُمورش برايش خير ست، و اين براى كسى نيست مگر براى مؤمن، اگر نعمت به وى برسد شكر ميكند، و اين شكر كردن برايش خير است، و اگر مصيبت به وى برسد صبر ميكند، و اين صبر كردن برايش خير است.
و پيامبر صلي الله عليه وسلم فرمودند: **«حفت الجنة بالمكاره وحفت النار بالشهوات».** مسلم (2822) و ترمذى (2559). يعنى: بهشت با سختيها پوشيده و جهنم نيز با شهوات پوشيده شده است.
بنابراين هرگاه بنده ي مومن متقي در بلا و مصيبتى قرار گرفت، بايد آنرا به نعمت تبديل كند! چگونه؟ با صبورى و سپاسگذارى كردن و راضي شدن به تقدير الهي و توكل كردن به او در دفع آن سختى... تا بدين ترتيب آنرا كفاره ى گناهانش كند.
در ضمن اينگونه هم كه شما تصور مي كنيد نيست!؟ چرا كه هر كسي در زندگي خود هم خوشى داشته و هم ناخوشي، و شايد در اين ميان بعضي از مومنان بيشتر در سختي ها باشند، كه گاهي آن سختيها نتيجه اعمال و كارهاي خودشان است چنانكه الله تعالى مى فرمايد: **«وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيدِيكُمْ وَيعْفُو عَن كَثِيرٍ»** (شوري 30). يعنى: اگر شما را مصيبتي رسد، به خاطر كارهايي است كه مي كنيد و خدا بسياري از گناهان را عفو مي كند.
و گاهي خداى متعال بنا به حكمت خويش وى را مى آزمايد، چنانكه ميفرمايد:
«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيءٍ مِّنَ الْخَوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الأَمَوَالِ وَالأنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُواْ إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيهِ رَاجِعونَ * أُولَئِكَ عَلَيهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُون» (سوره بقره/ 155). يعنى: قطعاً همه شما را با چيزى از ترس، گرسنگي، و كاهش در مالها و جانها و ميوه‌ها، آزمايش مي‌كنيم؛ و بشارت ده به استقامت‌كنندگان، آن كساني كه چون مصيبتي به آنها برسد گويند:« ما از آن خدا هستيم و به سوي او باز مي گرديم» آنان درود و رحمت خدا شامل حالشان است و ايشان هدايت شوندگان هستند.
خداوند متعال خبر داده است كه حتما بندگانش را به مشكلاتى گرفتار مي نمايد و با مصايبى ميآزمايد (از قبيل آفت هاي آسماني، غرق شدن، ضايع شدن، و اموالي كه پادشاهان ستمگر و راهزنان با زور و فشار مي ستانند. اما به هر حال اينگونه نيست كه كل عمرش در سختي و عذاب باشد! و اين تصور صحيح نيست و ما آنرا نمي پذيريم.

هدف از شق صدر رسول الله:

هدف از شق الصدر براى رسول گرامى إسلام محمد مصطفي صلي الله عليه و سلم چه بوده است؟
اولا حادثه «شق الصدر» يعنى: «شكافتن سينه» پيامبر صلي الله عليه و سلم، هنگامي رخ داد كه در قبيله بنى سعد براي رضاعت نزد حليمه سعديه بود تا اينكه بنا به گزارش ابن اسحاق چند ماه بعد، و يا بنا به نظر محققان در سن چهار سالگى ماجراى شكافته شدن سينه اش پيش آمد. مسلم از انس (رض) روايت كرده است كه جبريل عليه السلام نزد پيامبر صلي الله عليه وسلم آمد، در حالب كه با اطفال سن وسالش بازى مي‌كرد. او

(c) ketabton.com: The Digital Library

را از جاي برگرفت و بر زمين خواباند و سينه او را برشكافت و قلب او را خارج ساخت، و از درون آن، لختة خوني را بيرون كشيد و گفت: اين است بهرة شيطان از تو! آنگاه دل او را در طشتي زرين با آب زمزم شستشو داد؛ و سپس و به جاي نخستينش بازگردانيد و سينه اش را دوخت. پسر بچه ها نزد مادرش يعني دايه‌اش شتافتند و گفتند: محمد را كشتند! همگي در پي يافتن او شتافتند. وقتي او را يافتند، رنگ رخساره‌اش دگرگون شده بود. انس (رض) مى فرمايد : من جاي آن دوخت و دوز جبرئيل را روي سينة پيامبر صلي الله عليه و سلم مي‌ديدم (صحيح مسلم، كتاب الايمان، باب الاسراء، جلد 1، صفحه 147، ح 261.)

حليمه سعديه پس از اين واقعه ترسيد و او را به مادرش بازگردانيد. و حادثه شكافتن سينه پيامبر صلي الله عليه و سلم سه بار در حياتش رخ داده است.

1- هنگام كودكي همانطور كه بيان شد و اين روايت در صحيح مسلم آمده است، و حكمتش همان بود كه آن دو ملائكه بيان كردند و گفتند: «اين است بهرة شيطان از تو»، و يک لخته خوني را از قلبش جدا كردند.

2- قبل از بعثت، و حكمتش اين بود كه با قلب كاملتر و قويتري وحي را استقبال كند. حافظ ابن حجر در كتابش «الفتح» در شرح اسراء و معراج گفت: «و شكافتن سينه پيامبر صلي الله عليه و سلم هنگام بعثتش ثابت شده است همانطور كه ابو نعيم اين روايت را در كتاب « الدلائل » بيان كرده است»، و نويسندگان سيرت پيامبر صلي الله عليه و سلم نيز اين حادثه را بيان كرده اند.

3- قبل از حادثه اسراء و معراج، و حكمتش اين بود كه با قلب پاكتر و قويتري براي مناجات با خداوند بطور مستقيم آماده گردد، و اين حادثه در صحيحين و همچنين كتب احاديث ديگر ثابت شده است.

آثارگناه:

1- يكى از مهمترين آثار گناه، محروم شدن از علم و دانش است؛ علمى كه خداوند در قرآن و سنّت قرار داده است و مايه سعادت دنيوى و اخروى بشر است؛ انسان هاي گناهكار از اين علم محروم ميشوند. الله عزّوجّل ميفرمايد: **«...وَاتَّقُواْ اللّهَ وَيعَلِّمُكُمُ اللّهُ وَاللّهُ بِكُلِّ شَيءٍ عَلِيمٌ»** (سوره البقره آيه:282) «از خدا بترسيد و تقوى داشته باشيد، خداوند شما را ميآموزد.».

امام شافعي رحمه الله ميفرمايد: «همانا علم، نور خداست و نور خدا به انسان هاي گناهكار داده نمى شود.»

2- گناه و معاصى عقل انسان را فاسد و خراب ميكند و قوه ادراک و خوب فكر كردن را از انسان ميگيرد و انسان را در هر أمرى به چالش ميكشاند. از بعضي از سلف صالح (رحمهم الله) نقل شده است كه ميفرمايد: «هر كس معصيت خدا كند، عقل او ضايع مي شود و گناه، نور عقل را از بين مي برد و ضعف و سستي جاي آن را ميگيرد.»

3- گناه و معصيت، قلب را ضعيف و تاريک ميكند و آن را به خرابهاي تبديل ميكند كه هيچ اراده و تصميم خوبي از آن تراوش نميكند. با اصرار بر گناه و انباشته شدن آن، خداوند قلبِ گنهكار را مهر ميكند؛ به همين دليل، قلب انسان، كور و صاحب آن در زمره غافلان محشور ميشود. آتش جهنم اول قلبها را مورد حمله قرار ميدهد و آن را با بدترين شعلهاى خود مى سوزاند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

4- گناه، انسان را ذليل و خوار مي كند و عزّت و سربلندی را از او می گیرد. قال الله تعالي: **«مَن كَانَ يرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيه يصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يمْكُرُونَ السَّيئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُوْلَئِكَ هُوَ يبُورُ»** (سوره فاطر» آيه 10) اگر كسي عزت و سر بلندی ميخواهد، همانا تمامی عزّت از آنِ الله است.»

5- يكی از اثرات بد گناه، از بين رفتن «حياء» است. حياء كه مايه زنده بودن قلب و اصل همه خوبي ها و خيرهاست، بر اثر تكرار گناه و اصرار بر آن، از بين ميرود. رسول اكرم صلي الله عليه و سلم مي فرمايد: **«الْحَياءُ خَيرٌ كُلُّهُ»** صحيح مسلم حياء همه اش خير است.

6- گناه باعث از بين رفتن رزق و روزي و نعمتهاي خدا بر بندگان ميشود و سبب مي شود كه بركت از رزق و روزي و عمر و علم و عملِ انسان گرفته ميشود. قال الله تعالي: **«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَي آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُواْ يكْسِبُونَ»** (سوره الأعراف: 96) «اگر مردمان اين شهر ها و آبادي ها به خدا و انبياء ايمان ميآوردند و از كفر و معاصي پرهيز ميكردند؛ درگاه خيرات و بركات آسمان و زمين را بر روي آنها ميگشوديم.»

رسول اكرم ميفرمايد: **«إِنَّ الرَّجُلَ لَيحْرَمُ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ الَّذِي يصِيبُهُ»** ابن حبان- حسن «همانا شخص به وسيله ي گناهي كه انجام ميدهد از رزق و روزي محروم ميشود.»

7- گناه سبب ميشود كه شياطين و جنّها به انسان نزديک و بر او مسلّط شوند و او را مورد آزار و اذّيت قرار دهند و روز به روز بسوي فساد و هلاكت بكشانند.

8- گناه سبب نافرماني و گستاخي خانواده و فرزندان بر فرد ميشود. تا جايي كه فرزندش- فرزند دلبند و جگرگوشهاش كه او را با خوندل بزرگ كرده- بر او جرأت پيدا ميكند و او را مورد آزار و اذّيت و نافرماني قرار ميدهد. اما اطاعت و بندگي خدا، انسان را در مقابل همه اين مصائب حفظ ميكند و فرزند را عصاي دستش و نور چشمش قرار ميدهد.

9- امّا بدترين اثر گناه: همانطور كه انسان خدا را فراموش ميكند، خداوند نيز او را فراموش ميكند. خداوند براي چنين شخصي دو عقوبت قرار داده است. به اين آيات توجه كنيد:

الف: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (سوره الحشر:19) (مانندكساني نباشيد كه خدا را از ياد برده اند، پس خدا هم خودشان را از ياد خودشان برد مصا لح و اسباب سعادت خود را همچنين وخوبي را از بدي تشخيص نمي دهند-آنان همانا بدكارانند»

ب- قال تعالي:... **نَسُواْ اللهَ فَنَسِيهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»** (سوره التوبه آيه 67) (خداوند را فراموش كر ده اند و خدا هم ايشان را فراموش كرده است.» خداوند آنها را در دنيا و آخرت فراموش ميكند و آنها را از لطف و رحمت خود محروم ميكند.

10- گناه باعث مي شود كه فر شتگان خدا از انسان دور شوند. فرشتگان خدا در همه حالات همراه انسان هستند و مايه نزولِ رحمت و مغفرت و بركتِ خدا بر انسان هستند. زماني كه انسان معصيت و نافرماني الله عزّوجّل ميكند، فرشتگان از انسان دور ميگردند و انسان از اين لطف خداوند محروم ميشود.

11- يكي از عواقب گناه فساد و خرابي در آب و هوا وزراعت و ميوه ها ميباشد. الله تبارک و تعالي ميفرمايد: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يرْجِعُونَ»** (سوره الروم:41) (تباهي و خرابي در دريا و خشكي به خاطر كارهايي پديدار گشته است كه مردمان انجام ميداده اند. بدينوسيله خدا سزاي برخي

(c) ketabton.com: The Digital Library

از كارهايي را كه انسان ها انجام ميدهند، بديشان ميچشاند تا اينكه آنها برگردند.)
12- گناه، انسانها را به وسيله سيل و زلزله، رانش زمين و طو فان و صاعقه و انفجار هلاک ميكند و از بين ميبرد.
از ام المومنين زينب بنت جحش روايت شده كه ميفرمايد: **«يا رسول الله أَنَهْلِكُ وفِينَا الصَّالحُونَ؟ قال: نَعَمْ إِذَا كَثُرَ الْخَبَثُ»** متفقٌ عليه «اي رسول الله آيا در حاليكه انسانهاي صالح دربين ما هستند، دچار هلاكت ميشويم؟ فرمود: بله، هرگاه فسق و فجور زياد شود.
از سهل بن سعد روايت شده است پيامبر خدا -صلي الله عليه وسلم- فرمود: «سيكون في آخر الزمان خسف، وقذف ومسخ» قيل: ومتي ذلک يا رسول الله؟ قال: «إذا ظهرت المعازف و القينات».«در آخر الزمان زبوني و خواري، دشنام و ناسزا و زشتي و بد شكلي ظاهر ميشود سؤال شد چه وقت اي پيامبر خدا؟ فرمودند «وقتی كه آلات موسيقی و زنان خواننده ظاهر شوند». صحيح جامع الصغير.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبي الكريم.

فهرست موضوعات ومطالب سوره الشرح

شماره	نام سوره	معانی ومحتوای سوره ها	صفحه
	الشرح الانشراح	الشرح = گشاده شدن، وسيع شدن محتوای سوره انشراح: در اين سوره نيز به قسمتی از مواهب الهی به پيامبر صلّی الله عليه وسلم اشاره شده است.	
1		ـ وجه تسميه.	
2		ـ تعداد آيات، كلمات وحروف سورۀ الشرح.	
3		ـ أسباب نزول سورۀ مباركه.	
4		ـ آشنايي با سورۀ انشراح.	
5		ـ ترجمه وتفسير سُورَه «الشرح »	
6		ـ در آيات متبركه اين سوره در بارۀ نعمتها و فرمانهای الله متعال به پيامبرصلی الله عليه وسلم بحث بعمل می آيد.	
7		ـ تشريح لغات واصطلاحات.	
8		ـ مفهوم توصيه به صبر در إسلام.	
9		ـ مفهوم «إن مع العُسر يُسرا».	
10		ـ هدف از شق صدر رسول الله.	
11		ـ آثارگناه.	

(c) ketabton.com: The Digital Library

مکثی بربعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیردر سال 1399ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیراز مهمترین و معتبرترین کتب تفسیر ازجمله: تفسیر طبری، کشّاف، قرطبی، آلوسی ،ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل اورده است .

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤ ف مخلص هروی .«تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر وهبه الزحیلی می باشد.
سال نشر :1389 هجری قمری ـ محل نشر : احمد جام ـ افغانستان

3 ـ تفسیر المیسّر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری)
انتشارات : شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ : 1395 هـ .

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر : شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه ،مترجم : شیخ الهند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه ،ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل ـ بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده ، واز تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی(510 هجری/ 1116میلادی -12 رمضان 592 هجری)«زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیرمتوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.)

7- البحر المحیط في التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745ق) مشهور به ابوحیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد.وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه واختلاف ترکیب ها وبلاغت ، توجه خاصی مبذول داشته است .

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم ـ ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم : تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی(متوفی 774ق) مشهوربه ابن کثیر. که از علماء ممتاز ومحقق قرن هشتم به شمار می آید .
(جلال الدین سیوطی، مفسّر و قرآن‌شناس بزرگ اسلامی می فرماید:ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است.).

(c) ketabton.com: The Digital Library

9 - تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصرالدین عبد الله بن عمربیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان عربی تحریر یافته است .ودرسال (1418 ق یا 1998م) دار إحياء التراث العربي - بیروت – لبنان بچاپ رسیده است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیرالجلالین»:

جلال الدین محلی وشاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م .
ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر : بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی واز معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه أبو جعفرمحمدبن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری) در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر، فقهی ومؤرخ مشهور سدۀ سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزی التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزی غرناطی الکلبی مشهور به جُزَیّ (متوفی 741ق) (ناشر: شرکة دار الأرقم بن أبیالأرقم ، بیروت – لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13 - تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السلیم إلی مزایا الکتاب الکریم » تألیف: مفسر شیخ ابوالسعودمحمد بن محمد بن مصطفی عمادی (متوفی 982) از علمای ترک نژاد می باشد.(محل طبع مکتبة الریاض الحدیثه بالریاض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تالیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ) .
سال نشر 1408ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر ، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم ومحقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام ومسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القران:

مولف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: « لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیرالخازان » تألیف:علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می‌باشد.)

(c) ketabton.com: The Digital Library

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است .(1217 – 1270ق) سال نشر: 01 یناير 2007 محل نشر ،ادارة الطباعة المنيرية تصوير دار إحياء التراث العربي.

19- جلال الدین سیوطی:

«الاتقان فی علوم القرآن « تفسیر الدار المنثورفی التفسیر با لمأثور »
مؤلف : حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی . (۱۴۴۵- ۱۵۰۵م)
مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينه المنوره

20- زجاج: « تفسیر معانی القرآن فی التفسیر»:

مؤلف: الزَجَّاج أو أبو إسحاق الزجّاج أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السری بن سهل الزجاج البغدادی است. (241 هجری - 311 هجری 855 - 923 - میلادی)

21- تفسیر ابن عطیة:

نام کامل تفسیر:« المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ابن عطیة» بوده
مؤلف آن :أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 – 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسیر قَتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسی بَصْری (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) .وی ازجمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ،تاریخ عرب ، نسب شناسی، حدیث، شعر عرب، تفسیر، دسترسی داشت .ودرضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگی بسربرده ولی نابینا بود.امام احمد حنبل دربارهٔ او می‌گوید: «او با حافظه‌ترین اهل بصره بود و چیزی نمی‌شنید مگر اینکه آن را حفظ می‌کرد، من یک بار صحیفهٔ جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظهٔ او در طول تأریخ ضرب‌المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسیر کشاف مشهوربه تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل» مشهور به تفسیر کشاف. مؤلف :جارالله زمخشری (27 رجب 467 - 9ذیحجه 538 هـ)
این تفسیر برای بار اول در سال: ۱۸۵۶ میلادی دردو جلد در کلکته بچاپ رسید ، سپس در سال ۱۲۹۱ در بولا ق مصر ، ودر سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، و ۱۳۱۸ در قاهره به چاپ رسیده است. محل نشر: انتشارات دار إحيا التُراث العربی.

24- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریربن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد 224 وفات 310 هجری قمری در بغداد (218 - 301 هجری شمسی . تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الکریم، بیروت – لبنان.

25- مفسر صاوی المالکی :

«حاشية الصاوي على تفسير الجلالين فی التفسیر القرآن الکریم » مؤلف : احمد بن محمد

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاوی (1175-1241ق) است.
سال ومحل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعید حوی :

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر « الاساس فی التفسیر(یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵)، که از مهمترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.
سال نشر : 1424ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره ـ مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ 606 هـ) تفسیر کبیر مهمترین و جامع‌ترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سّدی کبیر :

تفسیر سّدی کبیر اثر «ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدّی کبیر، متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست.
وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است.
«جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدّی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز:

مؤلف :ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف :شیخ بهاء الدین حیسنی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخزاده، محمد بن مصطفی
زبان : عربی
ناشر : دار الکتب العلمیة
سایر نویسندگان : نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناطواق آخوند گلشاهی
موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده : شیخزاده، محمد بن مصطفی
زبان : عربی

(c) ketabton.com: The Digital Library

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 – متوفّی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکّی مخزومی از مفسّران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی ،سال طبع : 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده : مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود .وگرد آورنده صحیح البخاری : حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیرة بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتر مصطفی خرّم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمۀ معانی قرآن» تألیف: دکتر مصطفی خرمدل ازکردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب « الأعلام » گفته : او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و درسال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمۀ اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7.) .

39- تفسیر وبیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751هـ - 812 ق) ،اسباب نزول، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه:ازعبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه وتفسیر « سوره الشرح »

تتبع ونگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیـژیکی افغان
ومسؤل مرکزفرهنگی د حق لاره- جرمنی
ادرس: saidafghani@hotmail.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library